

## اراده یهودیان آمریکا در پس «انقلاب سفید» شاه

در ابتدای دهه 1960 میلادی ضرورت یک تجدید نظر اساسی در سیاستهای آمریکا در برخورد با کشورهای تحت سلطه به شدت احساس می‌شد. زیرا حکومت‌های دست‌نشانده آمریکا با خطر انقلاب‌های مردمی مواجه بودند. جان فیتزجرالد کندی، کاندیدای حزب دمکرات برای ریاست جمهوری، نظرات ویژه‌ای را مطرح کرد. این نظرات پس از انتخاب او به ریاست جمهوری، اساس سیاست‌های آمریکا قرار گرفت.

هدف سیاست‌های جدید، در کشورهای تحت سلطه، اجرای اصلاحات از بالا به پایین به منظور جلوگیری از انقلاب قهرآمیز توده‌ها و ایجاد مانع در راه توسعه نفوذ اتحاد شوروی بود که با عنوان «اتحاد برای پیشرفت» مطرح و به دست اجرا سپرده شد.

این برنامه ابتدا برای امریکای لاتین و با هدف جلوگیری از ایجاد «کوبا»‌های دیگر طراحی شده بود. طرح «اتحاد برای پیشرفت» متضمن تقسیم اراضی بین کشاورزان و توسعه و بهداشت و آموزش و اعطای خدمات رفاهی به مردمان فرودست بود. این طرح بعدها در دیگر کشورهای تحت سلطه نظیر ایران که با خطر رادیکالیزه شدن حرکت‌های مردمی روبرو بودند - اجرا شد.

«سیاست‌های جدید به دلیل شکست سیاست‌های سرکوبگرانه و نظامی‌گری آمریکا و افزایش فاصله طبقاتی و نفرت روزافزون از آن کشور به مثابه علت‌العلل بدبختی‌ها و نابسامانی‌ها در کشورهای تحت سلطه اتخاذ شده بود.»<sup>1</sup>

استقرار دولتهای غیر نظامی دست‌نشانده در چهارچوب دمکراسی‌های هدایت شده، برگزاری «انتخابات کنترل شده» و ایجاد «فضای باز سیاسی» خطوط اصلی اقدامات سیاسی دولت جان اف. کندی بود.

طرح «روستو- کندی»

جان اف. کندی پس از استقرار در کاخ سفید، طرح و برنامه‌های ویژه‌ای را که برای ایران تدوین کرده بود، به شاه ابلاغ کرد و برای اجرای آن پافشاری و اصرار ورزید. این برنامه که به طرح «روستو - کندی» در جهان شهرت یافت، بعدها با نام «انقلاب سفید» در ایران اجرا شد.

طراح این برنامه «والتر ویتمن روستو» نام داشت. او که در سال 1916 در یک خانواده یهودی به دنیا آمده بود، در شمار جامعه‌شناسان نامدار جهان قرار داشت و سالها به عنوان مشاور جان کندی فعالیت کرد. روستو در زمان جان کندی یک سلسله رفرم‌های اقتصادی و طرح‌های اصلاحات ارضی را برای اجرا در کشورهای امریکای لاتین و خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی طراحی کرد. او تئوری‌های خود را در سال 1960 برابر با سال 1339 در کتابی با نام «مراحل توسعه اقتصادی؛ یک مانیفست غیر کمونیستی» انتشار داد.

روستو یهودی جوامع بشری را به «جامعه سنتی» و «جامعه صنعتی» تقسیم می‌کرد و اعتقاد داشت که جامعه پس از طی مراحل سنتی وارد مرحله «ماقبل طیران» می‌شود. این مرحله در واقع دوران گذار از «کهنه» به «نو» است و لذا باید در رشته‌های غیر صنعتی، بویژه کشاورزی، تحولات انقلابی صورت گیرد، که مهم‌ترین آنها «اصلاحات ارضی» است.<sup>2</sup>

به طور کلی باید گفت دولت آمریکا با انجام اصلاحات، به ویژه اصلاحات ارضی سعی داشت تا روابط اجتماعی و پایگاه اقتصادی شبکه سنتی روستاها را زیر و رو کند و از نظر سیاسی به دنبال این هدف بود که اولاً پایگاه و نفوذ طبقه ملاک و زمین‌دار را از میان بردارد و ثانیاً ابتکار عمل را از دست مخالفین خارج کند. آمریکا همچنین قصد داشت تا حرکت سرمایه را از بخش سنتی کشاورزی به بخش شهرنشین و صنعتی تشویق نماید و نهاد دولت را به صورت مرکز بی‌رقیب انباشت سرمایه درآورد.

امینی مجری برنامه‌های آمریکا

پیروزی جان فیتز جerald کندی، موفقیت علی امینی را در پی داشت. زیرا وی از زمانی که به عنوان سناتور ایالت «ماساچوست» فعالیت داشت، از دوستان علی امینی و در شمار هواداران زمامداری او بود. براساس طرح و برنامه‌ای که مشاوران کندی تدوین کرده بودند، قرار بود علی امینی به عنوان مجری اصلاحات ظاهری مورد نظر کندی، عهده‌دار مقام نخست‌وزیری ایران باشد. بر این اساس دولتمردان امریکایی مجدداً از شاه خواستند تا علی امینی را به نخست‌وزیری منصوب کند و راه را برای اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا هموار سازد.

محمدرضا پهلوي که به اتکاي قدرت ساواک و حمايت پاره‌اي از محافل قدرت وابسته به بيگانگان تمايلي به پذيرش اين درخواست نداشت و به انحاء مختلف و با به کارگيري تمهيدات گوناگون، در مقابل اين خواسته امريکا مقاومت مي‌کرد. اما فشار قاطعانه ديپلماسي امريکا او را به خود آورد و به او فهماند که بدون جلب رضايست مقامات امريکايي - که با اجراي کودتاي 28 مرداد وي را به سلطنت برگردانده بودند - ماندگاري در موضع قدرت و ادامه فرمانروايي و حفظ تاج و تخت برایش غير ممکن است. به ویژه اينکه اين بار نحوه عمل کارگزاران امريکا با دفعات قبل تفاوت داشت. اين بار مقامات کاخ سفيد به پيامهاي شفاهي اکتفا نکردند و خود رأساً و با صراحت دکتر علي اميني را که وفاداري اش به امريکا در جريان تنظيم و عقد قرارداد کنسرسيوم به اثبات رسیده بود - را به عنوان کانديداي مورد نظر امريکا براي احراز مقام نخست‌وزيري ايران و اجراي برنامه‌هاي اصلاحي جان‌کندي معرفي کردند و محمدرضا پهلوي را براي اجراي اين امر در فشار و تنگنا گذاشتند، حتي او را به کودتا و فروپاشي رژیم شاهنشاهي در ايران تهديد نمودند:

«... دولت امريکا ترديد و دودلي سالهاي 1332 - 1339 را کنار گذاشت و با قاطعيت وارد گود شد و به محمدرضا پهلوي فشار آورد که هر چه سريع‌تر علي اميني را با اختيارات کامل به نخست‌وزيري منصوب کند. شدت فشار بر يکا به حدي بود که ظاهراً در مسافرت زمستاني سال 1339 او به سوئيس به وي اعلام شد که اگر با خواست جديد امريکا موافقت نکند، با سقوط سلطنت و رياست جمهوري اميني مواجه خواهد شد...» 3

در همين زمان، امريکا براي نشان دادن عزم خود در پشتيباني از علي اميني و تهديد بيشتر محمدرضا پهلوي، برخي مجامع وابسته به خود را واداشت تا اعلاميه‌هايي در حمايت از رياست جمهوري علي اميني انتشار دهند. به يك نمونه از اين اعلاميه‌ها نگاه مي‌کنيم:

«ملت آزاديخواه ايران

دستگاه حاکمه در ايام انتخابات درسي به ما داد که هرگز از خاطره‌ها فراموش نخواهد شد... پس از آن که بازي مسخره انتخابات با رسوايي هر چه تمام‌تر و استهزاء مردم جهان پايان يافت، شاهنشاه دلقک‌بازي ديگري از خود درآورد و با رفتن به مجلس در کالسه سلطنتي و ايراد نطق‌هاي مطمئن و بي‌معني اين کمدي را تکميل کرد، غافل از آنکه با اين نطق‌هاي بي سر و ته و مسخره فقط خودش را مي‌تواند فريب دهد. مردم خوب مي‌دانند که در کشور ما رکود اقتصادي و فقر و تنگدستي و گرسنگي و گراني هزينه زندگي و رشوه‌خواري و دزدي و چپاول و غارت ثروت‌هاي ملي روز به روز توسعه مي‌يابد و اين الفاظ رنگارنگ نمي‌تواند حقايق را بپوشاند. ميهن‌پرستان ايران! نجات کشور و ملت در تشکيل رژيم جمهوري دموکراتيک و عملي نمودن اصلاحات واقعي مي‌باشد. تنها رژيم جمهوري است که مي‌تواند زمين به دهقانان و کار به بيکاران و افزايش درآمد نصيب تجار و کارفرمايان کند. رژيم جمهوري است که مي‌تواند آزادي واقعي مردم را تأمين کند و آنها را از يوغ سلطنت و استبداد برهاند. ميهن‌پرستان ايران، براي بي‌طرف کردن کشور از دسته‌بندي‌هاي سياسي و نظامي و تقليل هزينه‌هاي کمر شکن و جنون‌آمیز نظامي که کشور را غارت مي‌کنند، مبارزه کنيد.

نابود باد پيمان‌هاي نظامي، مرده باد رژيم سلطنتي. درود به دانشجويان که اقبال خائن، يعني نوکر شاه و طرفدار رژيم پوسيده سلطنتي را کتک زده و با خفت هر چه تمام‌تر او را مجبور به فرار از دانشگاه کردند. ما مي‌خواهيم هر چه زودتر زندانيان آزاد شوند و مسئولين کتک زدن و توقيف مردم شديداً تنبيه شوند. اعضاي مجلس شورا صداي خود را به دفاع و پشتيباني از حقوق مردم ايران بلند کرده و در راه انحلال مجلس قدم پيش بگذارند.

درود بر جمهوري ايران و رئيس جمهور آينده آن دکتر اميني

مرگ بر استبداد و ظلم و استعمار. گروه جمهوريخواهان» 4

البته شاه و مسئولين سازمان‌هاي اطلاعاتي و امنيتي بر اين نکته وقوف داشتند که اينگونه اعلاميه‌ها از سوي محافل و مجامع وابسته به سازمان «سيا» و در تيرازي فوق‌العاده محدود انتشار مي‌يابد و هدف از اينگونه اقدامات تنها ايراد فشار به شاه و رژيم است، و الا تهيه و توزيع چنين اعلاميه‌هايي در شرايط ديکتاتوري بعد از 28 مرداد مي‌توانست عده زيادي را اسير شکنجه و زندان و مجازات‌هاي سنگين کند که بي‌شک و قبل از همه دکتر اميني، کانديداي مورد حمايت آنها طعم اين مجازات را مي‌چشيد.

از ديگر اقدامات امريکا براي واداشتن شاه به انتصاب اميني، بهره برداري از وضع ناگوار مالي ايران بود. کندي با درک اين وضعيت، نخست‌وزيري علي اميني را به عنوان پيش شرط اصلي و اوليه کمک مالي به ايران معين نموده و پيشنهاده کرده بود که در صورت صدور فرمان نخست‌وزيري علي اميني، وام 35 ميليون دلاري مورد تقاضاي ايران را در اختيار رژيم پهلوي مي‌گذارد:

«حکومت کندي که در مورد ايران بي‌اندازه نگران بود، به فوريت دست به تشکيل گروه‌هاي مأمور در ايران زد. چه بيم آن داشت که [ايران] در آستانه تغيير حکومت باشد ... حاصل فعاليتها و برنامه‌ريزي‌هاي گروه‌هاي مأمور آن شد که به سفير [وقت امريکا در ا

ایران] (آرمین مایر) توصیه کنند، ما حاضرین 35 میلیون دلار در اختیار دولت ایران قرار دهیم، به شرط آنکه ایرانیان هر کاری که ما در جهت اصلاح و پیشرفت لازم می‌دانیم به اجرا درآورند، و این شامل نظریات و پیشنهادهای ما در مورد انتخاب نخست‌وزیری که بتواند از عهده اجرای اصلاحات پیشنهاد شده برآید، نیز خواهد شد...» 5

آرمین مایر، سفیر کبیر وقت آمریکا در ایران، بعدها صحت این مسئله را تأیید کرد:

«واشنگتن، خبرگزاری پارس - سفیر سابق آمریکا در ایران فشار کرد که جان. اف. کندي رئيس جمهوري پيشين امريكا در ازاي پرداخت يك وام 35 ميليون دلاري خواستار انتصاب علي اميني شده بود... آرمين مایر قبلاً سفیر آمریکا در ایران و سپس ژاپن بوده است... ایران خواستار يك وام 35 ميليون دلاري شده بود تا کسري موازنه پرداخت‌هاي خود را جبران کند. مشاوران کندي درخواست ايران را مطالعه کردند و در چهارچوب يك برنامه پیشنهاد شد که شخص بخصوصي به سمت نخست وزير ايران منصوب شود... شخص بخصوصي که در ماجرای مذکور مطرح شد، علي اميني بود که پیش از نخست‌وزیر سمت سفیر ایران در واشنگتن را بر عهده داشت و از نزدیکان کندي‌ها به شمار می‌رفت...» 6

آرمین مایر که طی سالهای 1965 تا 1969 سفیر کبیر آمریکا در ایران بود. در يك گفتگوي ديگر نیز به همین موضوع اشاره می‌کند:

«دولت کندي سخت نگران اوضاع ايران بود و لزوم اقدامات فوري را تأکید می‌کرد. ترس اضمحلال ايران در میان بود. گروهی می‌گفتند کشور ايران با سابقه تاریخی حدود 2500 ساله‌اش باید پایدار بماند. ولي بیشتر سياستگران بر این اعتقاد بودند که ايران در شرف نابودي است؛ مگر آنکه ایالات متحده اقدام فوري و مؤثري به عمل آورد.

سرانجام نتیجه مذاکرات ما به اینجا رسید که به سفیرمان توصیه کنیم که به ازاي واگذرای سي و پنج ميليون دلار کمک به ايران برنامه پیشرفت و توسعه مورد نظر واشنگتن انجام شود و همچنین علي اميني، کاندیداي ما که برای اجرای ر فورم پیشنهاد شده، شایستگی کافي دارد به عنوان نخست‌وزیر معرفی گردد.» 7

شاه برای رهایی از فشار دولت آمریکا مبنی بر تعویض نخست‌وزیر وقت، پیشنهاد کرد که علي اميني پست وزارت امور خارجه را بپذیرد. به این ترتیب هم فشار آمریکا برای نخست‌وزیری اميني پایان می‌یافت و هم اميني مجبور بود برای بهبود روابط ایران و آمریکا به مسکو سفر کند و امتیازاتی به شوروي بدهد در این صورت، علاقه و پشتیبانی آمریکا از علي اميني خاتمه می‌یافت. 8

به نقل از: نیمه پنهان، دفتر پژوهشهای مؤسسه کیهان، جلد 3، 1381

پی‌نوئیس‌ها:

1- منصورى، جواد، تاريخ قيام 15 خرداد، به روايت اسناد، جلد اول، ص 72.

2- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سياسي، ظهور و سقوط سلطنت پهلوي، جلد دوم، ص 302.

3- ظهور و سقوط، همان، ص 306.

4- ظهور و سقوط، همان، ص 306-307.

5- بیل، جیمز، شیر و عقاب، نشر فاخته، چاپ اول، ص 201.

6- روزنامه آیندگان، مورخ 1356/7/30.

7- نجاتی، غلامرضا، تاريخ سياسي بيست و پنج ساله ايران، جلد اول، ص 174.

8- منصورى، جواد، تاريخ قيام 15 خرداد به روايت اسناد، جلد اول، ص 77.